

### درباره زندگی چریک فدایی خلق،

#### رفیق علی بُرنشان



### درباره زندگی چریک فدایی خلق، رفیق علی بُرنشان

چریک فدایی خلق رفیق علی بُرنشان در سال ۱۳۴۳ در بندرعباس متولد شد و در ۱۵ آبان سال ۱۳۶۰ در همین شهر توسط درّخیمان جمهوری اسلامی اعدام گردید. مقایسه‌ی این دو تاریخ نشان می‌دهد که رفیق بُرنشان در زمان اعدام ۱۷ سال بیشتر سن نداشته است.

این واقعیت خود سند دیگریست که نشان می‌دهد چگونه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جهت استمرار سیستم ظالمانه سرمایه‌داری در ایران حتی کودکان و نوجوانانی نظیر رفیق بُرنشان را در کشتارهای بی‌رحمانه خود از دم تیغ خود می‌گذراند.

تاریخ سراسر جنایت در رژیم جمهوری اسلامی هم نشان می‌دهد که این رژیم از زمان روی کار آمدن تا کنون که حدود ۴۵ سال از عمر ننگینش می‌گذرد لحظه‌ای از کشتار زحمت‌کشان و کارگرس‌تیزی و لگدمال کردن بدیهی‌ترین حقوق ستم‌دیدگان باز نایستاده است.

رفیق علی بُرنشان از جمله نوجوانانی بود که در بستر اوچگیری انقلاب توده‌های تحت ستم ایران علیه امپریالیست‌های غارتگر و نوکر وفادارشان شاه که در سال ۱۳۵۷ برای رسیدن به کار و نان و مسکن و آزادی بر پا شده بود به انقلاب پیوست. او در جریان انقلاب تجربه اندوخت و از چنان آگاهی‌ای برخوردار شد که وقتی پس از شکست قیام بهمن، دارودسته خمینی به قدرت رسیدند متوجه شد که جمهوری اسلامی خواهان پاسخ‌گویی به خواسته‌های توده‌های ستم‌دیده نیست؛ و در همان حال به سازشکاری سازمان چریک‌های فدایی خلق که بزرگترین سازمان سیاسی آن دوره بود با قدرت حاکم نیز پی برد.

واقعیت آن بود که امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس و آلمان و فرانسه در کنفرانس گوادلوپ متحداً رای بر قدرت‌گیری خمینی داده بودند تا از طریق او که در راس یک حکومت اسلامی قرار می‌گرفت بتوانند انقلاب توده‌های مردم ایران را سرکوب نموده و سلطه غارتگرانه و استثمارگرانه خود را همچنان در ایران تداوم بخشند.

در آن زمان سازمان چریک‌های فدایی خلق به اعتبار سابقه‌ی مبارزات دلیرانه‌اش در زمان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه از محبوبیت توده‌ای وسیعی برخوردار بود و به همین دلیل هم بیشتر جوانان و نوجوانان انقلابی که در دل یک انقلاب مردمی، آگاهی سیاسی یافته و عملاً در جریان انقلاب پرورش یافته بودند به این سازمان

می‌پیوستند و امیدشان آن بود که با ادامه انقلاب توسط این سازمان بتوانند به سهم خود وظایف تحقق نیافته انقلاب به نفع ستم‌دیدگان جامعه را به سرانجام برسانند. اما در واقعیت امر این سازمان که هنوز مدعی حمایت از کارگران و زحمت‌کشان بود آرمان‌های آنها را دنبال نمی‌کرد و در شرایطی که در همه نقاط ایران هر قشر و طبقه تحت ستم برای تحقق خواست‌های برحق و انقلابی خود پا به صحنه مبارزه گذاشته بودند از سازماندهی مبارزات آنها باز ماند. در چنین اوضاعی تعدادی از انقلابیون چریک فدایی خلق با پی بردن به این امر که در راس آن سازمان، ماران خوش خط و خالی لانه کرده‌اند که آن سازمان را به ورطه خیانت به مردم می‌کشاند از آن سازمان جدا شده و تشکل چریک‌های فدایی خلق را از نو سازمان دادند. این تشکل به تئوری‌ها و ارزش‌ها و سنت‌های مبارزه دلیرانه مردم ایران وفادار مانده و بر ادامه انقلاب علیه جمهوری اسلامی تا رسیدن به مطالبات کارگران و مردم تحت ستم ایران پای می‌فشرد. از این رو جوانان و نوجوانانی چون رفیق علی برنشان جهت تداوم مبارزه علیه ستمگران و نیروهای ضد انقلاب به هواداری از چریک‌های فدایی خلق برخاستند.

در بندرعباس نیروهای پشتیبان چریک‌های فدایی خلق خود را در دو بخش متشکل نمودند. آنها برای انجام فعالیت‌های علنی که در شرایط هرج و مرج بعد از قیام بهمن امکان پذیر شده بود، جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن را شکل دادند. بخش دیگر و جدی‌تر فعالیت‌های مبارزاتی این رفقا با متشکل کردن خود در هسته‌های سیاسی-نظامی صورت می‌گرفت.

رفیق علی برنشان به مثابه یکی از هواداران صدیق و انقلابی چریک‌های فدایی خلق با همه شور و انرژی انقلابی خود در جهت رشد و گسترش جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن و تقویت هسته‌های سیاسی نظامی گام برداشت.

پس از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که جمهوری اسلامی یورش سراسری و سیستماتیک خود به توده‌های مبارز و انقلابی ایران و به سازمان‌های سیاسی را آغاز کرد متأسفانه رفیق علی نیز توسط پاسداران رژیم بازداشت شد. پاسداران و سرسپردگان به جمهوری اسلامی در زندان‌ها جهت نابودی هر آنچه به مردم و انقلاب آنان برای رسیدن به آزادی تعلق داشت با دمنش‌های هرچه تهاجمی‌تر به شکنجه مبارزین دستگیر شده می‌پرداختند. در این اوضاع رفیق علی برنشان نیز تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها فرار گرفت. شدت شکنجه‌های درخیمان جمهوری اسلامی نسبت به این رفیق در حدی بود که معروف است که به هنگامی که می‌خواستند او را اعدام کنند این نوجوان مبارز آزاده قادر به ایستادن بر سر پا نبود و درخیمان "مجبور شدند او را به تیرک ببندند" و آنگاه وی را گلوله‌باران کنند.

در ۱۵ آبان ماه ۱۳۶۰ خون سرخ رفیق علی برنشان به پای نهال انقلاب آزادی‌بخش ستم‌دیدگان ایران ریخته شد. در توجیه جنایت صورت گرفته، دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی در روزنامه کیهان (آبان سال ۱۳۶۰) لیستی از فعالیت‌های انقلابی هواداران چریک‌های فدایی خلق در بندرعباس را به عنوان جرم‌های شخص رفیق نوجوان ما ردیف کرده و نوشتند "علی برنشان فرزند عباس به جرم شرکت فعالانه در درگیری‌های خیابانی، جمع‌آوری کمک مالی برای گروه، شرکت در خانه‌های تیمی و جلسه با سران گروه، به تعطیل کشاندن مدارس، اقدام به خلع سلاح ماموران ستاد مبارزه با مواد مخدر، سرقت ماشین و موتورسیکلت جهت ترور و تحریب و دستگاه فتوکپی، ارتباط با عناصر موثر گروه در تهران، شناسایی پاسداران که منجر به ترور و شهادت آنها گردیده است" به اعدام محکوم شد.

بدون شک این لیست جهت توجیه اعدام وحشیانه این رفیق تنظیم شده بود اما در همان حال شمایمی از فعالیت‌های جنبش دانش‌آموزی ۱۹ بهمن و هسته‌های سیاسی-نظامی هواداران چریک‌های فدایی خلق در بندرعباس را نشان می‌داد که رفیق علی با همه وجود آن فعالیت‌ها را در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ضروری می‌دانست و برای تحقق اهداف انقلابی این فعالیت‌ها از هیچ کوششی فروگذار نبود.

رفیق علی همچون همه یارانش بر این باور بود که با رژیم‌می که جز با زبان زور سخن نمی‌گوید و با زندان و شکنجه و اعدام از گسترش هر مبارزه مردمی جلوگیری می‌کند جز با زبان قهر انقلابی نمی‌توان سخن گفت. به همین دلیل هم تا آخرین لحظات زندگی بر این اعتقادش پای فشرد و با خونس بر این باور زندگی‌بخش خود مهر تایید زد.

**یاد رفیق علی بُرنشان گرامی و راهش پر رهرو باد!**